

نقد روش‌های جاری آموزش در مدارس

دکتر یدالله سعیدنیا

این‌ها خط‌ایمان نیست

کلیدواژه‌ها: نقد، آموزش، مدارس.



در سلسله مقالاتی که به موضوع نقد روش‌های جاری آموزش در مدارس مربوط است، به این نتیجه رسیدیم که باید به یادگیری، یادگیرنده، یاددهنده و... نگاه جدیدی داشته باشیم. در این شماره با مرور مجدد آن چه تاکنون گفته شده است، دو نگاه (دیدگاه) در زمینه روش‌های آموزش را مقایسه می‌کنیم.

در شماره پایانی از این مجموعه هشت قسمتی، می‌کوشیم تصویری نسبتاً روشن از آن‌چه در هفت شماره پیشین آمد، ارائه شود. هدف کلی مجموعه، نقد روش جاری آموزش در مدارس ایران با استفاده از یافته‌های جدید در حوزه آموزش بود. در واقع این یافته‌ها چندان هم جدید نیست، ولی از آن‌جا که نظام آموزشی ما سال‌های بسیاری است که از این یافته‌ها تأثیری نگرفته، هنوز برای ما جدید محسوب می‌شوند. می‌توان ادعا کرد که نظام آموزشی ما، از ایام بسیار دور دست نخورده است. در واقع هیچ‌یک از تغییرات نو به نو در نظام آموزشی ایران، از جنس هم‌سویی با یافته‌های جدید علمی و تغییر اصولی نبوده است.^۱ زیربنای تفاوت اصول جاری و اصولی که در این مجموعه تدوین شد، تفاوت نگاه به انسان بود. قبل از آوردن چکیده این دو مجموعه اصول، ضروری است دو نگاه مذکور به طور مختصر مقایسه شوند. (جدول ۱)

برای مقایسه اصول جاری در نظام موجود و نظام جای‌گزین پیشنهادی، این دو مجموعه اصول، در جدول ۲ آمده است. براساس اصولی که از نگاه جدید به دست آمد، می‌توان به توصیه‌هایی اجرایی در کلاس رسید. این توصیه‌ها نیز که در شماره‌های قبل به آن‌ها اشاره شد، برای مرور و نگاهی جامع، در جدول ۳ آمده است.

پی‌نوشت

1. www.loc.gov/rr/frd/comtrystudies

جدول ۱. مقایسه نگاه سنتی و نگاه نوین به انسان

انسان در نگاه سنتی (رفتارگراها)	انسان در نگاه نوین
انسان ساخته محیط و قابل تبدیل به هر چه آموزشگران بخواهند، است.	انسان ساخته اراده خویش است و نسبت به آن‌چه می‌کند و آن‌چه هست و می‌شود، مسئول است.
انسان فاقد اختیار و ساخته جامعه و برآیندی از محرک و پاسخ‌هاست.	انسان مختار است و قدرت تفکر و انتخاب دارد.
انسان استعداد ویژه‌ای ندارد.	انسان ذاتاً پاک است و به دنبال شکوفایی و شدن آن‌چه باید شود، می‌رود.
انسان انگیزه درونی ندارد.	انسان انگیزه‌های درونی برای رسیدن به کمال دارد.
انسان مانند لوحی سفید است.	انسان به طور فطری به دنبال کمال است.

جدول ۲. مقایسه اصول آموزش در نگاه سنتی و جاری، با اصول آموزشی برآمده از نگاه نو

اصول آموزش در نگاه نو	اصول آموزش در نگاه سنتی
موضوعات آموزشی می‌توانند به عنوان مسئله‌ای کلی به یادگیرنده ارائه شوند تا او براساس شیوه مناسب خویش آن را بیاموزد.	در آموزش ابتدا باید هدف را به اجزای کوچک تقسیم کرد تا شاگرد بتواند به راحتی بیاموزد.
جریان آموزش باید توسط معلم مسلط و توانا، با آرامش به شاگرد انتقال یابد.	جریان آموزش باید توسط معلم مسلط و توانا، با آرامش به شاگرد انتقال یابد.
معلم موفق می‌تواند در شاگرد احساس احترام به خود(معلم) ایجاد کند	معلم موفق می‌تواند در شاگرد احساس احترام به خود(معلم) ایجاد کند
باید از الگودهی، الگوپذیر کردن و دنباله‌رو کردن بچه‌ها پرهیز و در عوض آن‌ها را به انتخاب آزادانه و بر مبنای تشخیص خود و رها شدن از دنباله‌روی احساسی تشویق کرد.	وقتی شاگرد معلم را دوست داشته باشد و او را الگوی خود بداند، درس را روان‌تر می‌آموزد.
بهترین ارزیاب از یادگیری، یادگیرنده است. ارزش‌یابی باید توسط خود شاگرد صورت گیرد.	آزمون‌های تکوینی و عینی می‌تواند هم معلم را نسبت به آنچه آموخته شده است آگاه سازد و هم شاگرد را نسبت به ضعف‌های خود.
ارزیابی روشی برای آموزش و بخشی از آموزش است.	آزمون‌های کوتاه و بازخورد دقیق و کمی آن به شاگرد، متضمن نیل به اهداف تعیین شده است.
آموزش‌ها باید تمرین تفکر را مهیا کند، نه آن‌که صرفاً دانش‌های آماده را به افراد بدهد.	تعیین دقیق اهداف آموزشی و طراحی روش آموزشی در قالب طرح درس‌های اجرایی، از مؤثرترین راهکارهای آموزشی است.
هر بچه‌ای با توجه به نیاز و شرایط شخصی خود یاد می‌گیرد. هر شاگرد باید بتواند با روش، سرعت، و علاقه خود بیاموزد.	تشویق عملکردهای درست و منطبق با انتظار اگر بلافاصله و متناسب باشد، به تداوم عملکرد صحیح می‌انجامد.
معلم بسیار مهم است، ولی نباید در آموزش نقش پررنگی داشته باشد. در عوض، معلم نقش پررنگی در ایجاد زمینه برای یادگیری دارد	تنظیم برنامه دقیق برای تشویق که همه رفتارهای مورد انتظار را پوشش دهد، سبب توفیق برنامه آموزشی می‌شود.
معلم یاور شاگرد و تسهیل‌کننده یادگیری است. مقام مسئول آموزش کودکان نیست.	مهم‌ترین ملاک توفیق معلم که بهتر است به تشویق او منجر شود، رسیدن همه دانش‌آموزان به اهداف آموزشی تنظیم شده در زمان تعیین شده است.
رقابت باید فقط وقتی ایجاد شود که برای شاگردان امکان انتخاب آزادانه آن باشد. ایجاد محیط رقابتی که همه باید برای رفع نیازهای خود در رقابت شرکت کنند، نادرست است.	کنترل دقیق فرآیند آموزش و کنترل محیط آموزش از نظر آرامش باعث اثربخشی بیشتر است.
رقابت باید فقط وقتی ایجاد شود که برای شاگردان امکان انتخاب آزادانه آن باشد. ایجاد محیط رقابتی که همه باید برای رفع نیازهای خود در رقابت شرکت کنند، نادرست است.	بهره‌گیری از بهترین و مؤثرترین محرک‌ها مانند رقابت و ایجاد فضایی که شاگرد را دارای احساس توانمندی برای رقابت کند، باعث تلاش شاگردان است.
معلم بسیار مهم است، ولی نباید در آموزش نقش پررنگی داشته باشد. در عوض، معلم نقش پررنگی در ایجاد زمینه برای یادگیری دارد.	تمرین برای توفیق در رقابت‌های مدرسه، شاگردان را برای رقابت در محیط واقعی اجتماع آماده می‌کند.
معلم بسیار مهم است، ولی نباید در آموزش نقش پررنگی داشته باشد. در عوض، معلم نقش پررنگی در ایجاد زمینه برای یادگیری دارد.	معلم به عنوان مهم‌ترین مرجع شاگردان و مؤثرترین عامل موفقیت، مسئولیت بزرگی به عهده دارد.

بهترین ارزیاب از یادگیری، یادگیرنده است. ارزش‌یابی باید توسط خود شاگرد صورت گیرد

معلم بسیار مهم است، ولی نباید در آموزش نقش پررنگی داشته باشد. در عوض، معلم نقش پررنگی در ایجاد زمینه برای یادگیری دارد

جدول ۳: نتایج عملی از اصول جدید آموزشی که قابلیت کاربرد در کلاس را دارند.

معلم از درس نخواندن شاگرد عصبانی نمی‌شود، زیرا خود شاگرد مسئول است.	مدرسه براساس معدل بچه‌ها را انتخاب و به اردو نمی‌برد.
معلم همواره دلسوزی می‌کند و از خودش و شاگرد می‌پرسد «چگونه می‌توانم کمکت کنم؟»	مدرسه اسامی نفرات برتر را به دیوار نمی‌زند.
موفقیت بچه‌ها با احساس محترم بودن در معلم متناظر نیست. بنابراین، موفق نشدن بچه‌ها، باعث پرخاش به آن‌ها نمی‌شود.	مدرسه فقط کارهای برتر هنری کلاس هنر را به دیوار نمی‌زند.
شاگردان تاریخ را حفظ نمی‌کنند و به سوالاتی مانند این که فلان اتفاق کجا افتاد، جواب نمی‌دهند.	مدرسه فقط به برترین قاریان - در مسابقه همگانی قرآن - جایزه نمی‌دهد.
شاگردان تعریف فلات را از بر نمی‌کنند و لازم نیست بدانند بلندترین قله اروپا کدام است.	نمرات بچه‌ها را به ترتیب از خوب به بد یا برعکس، در کلاس نمی‌خوانند.
شاگردان لازم نیست تعریف بانک را بدانند و در امتحان اجتماعی انواع بانک را نام ببرند.	ارزش‌یابی ۱ تا ۲۰ که از نظر آماری هم اختلاف معناداری بین آن‌ها نیست، در مدارس جاری نمی‌شود.
شاگردان لازم نیست اثبات قضیه فیثاغورس را در امتحان بنویسند.	در مدارس براساس سطح درسی بچه‌ها به آن‌ها احترام نمی‌گذارند.
شاگردان لازم نیست بتوانند انواع بیلچه را با رسم شکل توضیح دهند.	در مدرسه براساس سطح نمره بچه‌ها، در مورد شخصیت آن‌ها قضاوت نمی‌شود.
شاگردان در مورد علت برخی پدیده‌های مورد علاقه طبیعی بحث می‌کنند.	مدرسه فضای مسابقه‌های گروهی بدون هیچ پاداش بیرونی را ایجاد می‌کند.
شاگردان در مورد راه‌های کاهش آلاینده‌های محیطی تحقیق می‌کنند.	مدرسه امکان شرکت بچه‌ها را در رقابت های بیرونی، براساس خواست و انتخاب خودشان فراهم می‌کند.
شاگردان در مورد نوع فرهنگ‌های جوامع نظر می‌دهند.	مدرسه امکان فعالیت‌های متعدد علمی، ورزشی و هنری را بدون رقابت برای سلیقه‌های متفاوت ایجاد می‌کند.
شاگردان در مورد قوانین فیزیک بحث می‌کنند و برای فهم آن‌ها دست به آزمایش می‌زنند.	همه در مدرسه مورد احترام هستند و درس نخواندن و معدل پایین گرفتن، امری شخصی تلقی می‌شود که به شخصیت فرد ربطی ندارد.
شاگردان در مورد نحوه اندازه‌گیری حجم اجسام جامد روش‌هایی را پیشنهاد می‌دهند.	مدرسه امکان ارائه کارهای فردی و گروهی بچه‌ها را در حوزه‌های مورد علاقه آن‌ها، بدون رتبه‌بندی و ایجاد رقابت در قالب نمایشگاه و سمینار و غیره، فراهم می‌کند.
معلم از وابسته کردن بچه‌ها به خود (از لحاظ عاطفی) می‌پرهیزد.	آزمون‌های تستی برگزار نمی‌شود.
معلم از ایجاد تصورات غیرواقعی از خود یا حتی ذکر برخی واقعیات که او را در ذهن بچه‌ها بیش از حد بزرگ می‌کند، خودداری می‌کند.	آزمون‌های دانش‌محور انجام نمی‌شود.
معلم رضایت شخصی خود از بچه را عامل تشویق و تنبیه او برای درس خواندن قرار نمی‌دهد.	آزمون‌های متمرکز تراکمی برای ارتقا به پایه بالاتر انجام نمی‌شود.
معلم از دادن اطلاعات بسیار جهت‌دار، مخصوصاً اگر بچه زیاد به او عواطف نشان دهد، خودداری می‌کند.	آزمون‌های معمول نیم‌سال که به دادن نمرات صفر تا بیست می‌انجامد و در قالب کارنامه ارائه می‌شود، برگزار نمی‌شود.
مدرسه از محدود کردن بچه‌ها برای ایجاد ارتباط با معلمان و یا مربوط کردن بسیاری از مسائل دانش آموز به یک معلم، می‌پرهیزد.	دانش‌آموزان آن چه را می‌آموزند به صورت ppt ساخت‌وساز، توضیح کتبی، نقاشی، نمودار، نمایش و غیره ارائه می‌دهند.
مدرسه بچه‌ها را برای ارتباطات بیرون از مدرسه محدود نمی‌کند و از دادن احساس برتری زیاد مدرسه بر افراد بیرون می‌پرهیزد.	در برخی دروس مسائلی در قالب مسائل باز که باید با جست‌وجو در منابع حل شوند، به آن‌ها ارائه می‌شود.
مدرسه بچه‌ها را براساس معدل رتبه‌بندی و رتبه‌ها را اعلام نمی‌کند.	در برخی دروس برای شناخت میزان یادگیری دانش‌آموزان، به آن‌ها آزمون‌هایی داده می‌شود که نقش دیگری جز شناخت یادگیری ندارند.
مدرسه به نفرات برتر درسی در صبحگاه جایزه نمی‌دهد.	